

آغاز سال ۲۰۲۰

### محبت‌تینده در جان انسان‌ها



**عبدالرضا ناصرمقدسی** متخصص مغز و اعصاب

- دانشجو بودم که با دو نفر از دوستانم برای اولین

بار راهی قره‌کلیسا شدم، گرچه هدف ما گردش کامل در شمال غرب ایران بود اما من از همان ابتدا فقط می‌خواستم سفری معنوی به قره‌کلیسا داشته باشم. از این‌رو در کوله‌پشتی خود انجیل قدیمی و چاپ‌سنگی‌ام را گذاشتم و در بین راه بعد از مدت‌ها برای باری دیگر شروع به خواندن انجیل اربعه کردم. در آن بجهوه درس و کشیک و بیمار و بیماری نیاز به آرامش و آسایش ذهنی داشتم. قره‌کلیسا که مدفن یکی از حواریون حضرت عیسی است، در نزدیکی شهر جلدران قرار دارد. این کلیسا به دلیل رنگ سیاه سنگ‌های به‌کاررفته در بخشی از بنایش به قره‌کلیسا شهرت یافته است. در آن عصر تاپستانیی برای ساعت‌ها روی صندلی‌های کلیسا نشستم و به فکر فرو رفتم. در طول زندگانی‌ام از اماکن مقدس بسیاری دیدن کرده‌ام؛ از مساجد بزرگ و شکوهمند، آتشکده‌ها و اماکن مقدس زرتشتیان، کنیسه‌ها، مقابر پیامبران، معابد بودایی و تائوئی و کنفوسیوسی و در نهایت کلیساها. هر یک برای من نمودی از آن بی‌نهایت مقدس است که در عمق وجود انسان و کیهان در جریان است؛ عمق مقدس و معنوی‌ای که به جهان معنایی می‌بخشد؛ معنایی که دلیل زندگانی ماست. با هر یک از این بناها و اماکن مقدس خاطرات بسیاری دارم و حالا در آستانه تولد عیسی‌انصاری، در روزهایی که فکر می‌کنم جهان بیش‌ازپیش به چنین منادیانی نیازمند است، می‌خواهم از خاطرات خود از این پیامبر مهر و محبت نویسم. مادرم در مدرسه ارامنه درس می‌داد و من که کودکی پنج یا شش‌ساله بودم، همراه او به این مدرسه می‌رفتم. تنها کلیسای شهر ما درون این مدرسه بود و من ساعت‌ها در این مدرسه و این کلیسا بازی می‌کردم. هر از چندی هم روی صندلی‌های کلیسا می‌نشتم و به دعا‌های هم‌وطنان مسیحی گوش می‌دادم. مادرم به من یاد داده بود که عیسی از پیامبران بسیار بزرگ و ستودنی خداست.

پس می‌توان به او نیز تمسک جست و من در آن فضای کودگان‌ام با تمسک به او روزهای یکشنبه شمع‌ی روشن می‌کردم و دعایی به زبان کودکانه می‌خواندم؛ تجربه‌ای که هنوز که هنوز است، از ذهن و روان من جاری و تأثیرگذار است. از همان سال‌های نوجوانی شروع به خواندن انجیل کردم. هم‌زمان نیز به کلاس‌های تفسیر قرآن می‌رفتم. در سال‌های بعد گرچه کتاب‌های مقدس بسیاری از ادیان مختلف را خواندم ولی این دو کتاب در رشد ذهنی من تأثیر بسزایی گذاشتند. من در هوای این دو کتاب نفس کشیدم و بالیدم و آنچه آموختم مهر و محبتی بود که از ندای الهی به سوی بشریت جریان می‌یافت. سال‌ها پیش در سرزمین مقدس درگیری‌ای بین مبارزان فلسطینی با نیروهای اسرائیلی در گرفت. مبارزان مسلمان فلسطینی به کلیسای مهد در بیت‌لحم محل تولد حضرت عیسی پناه بردند.

نیروهای اسرائیلی در پشت در کلیسا ماندند و وارد نشدند. روحانیان مسیحی از این مبارزان زخمی و تیرخورده استقبال کردند. یکی از این مبارزان جانش را از دست داد و سایر هم‌زمانش درون کلیسا بر بالین وی قرآن خواندند. انکار سه دین بزرگ زیر سایه مهر و محبت به یکدلی رسیده بودند. آن روزی از کلیسای مهد دیدم. کنم می‌گویند در آن کوتاه است زیرا برای ورود باید به علامت تواضع خم و وارد شد.

همه در برابر مهر و محبت خم شدند و فشار افکار عمومی آن‌قدر بر دولت اسرائیل زیاد شد که اجازه داد مبارزان مسلمان فلسطینی از آن کلیسا خارج و به کشور دیگری بروند. جان آدمی در مکتب مهر و محبت ارزش بسیاری دارد. تولد حضرت عیسی و آغاز سال جدید بر همه پیروان مهر و محبت مبارک‌باد.

#### کودکی

### جنگ و حقوقی که نقض می‌شود

● سازمان ملل اعلام کرد که از سال ۲۰۱۰، نقض حقوق کودکان درگیر جنگ، تا سه‌برابر افزایش داشته است. کودکان در مناطق درگیر جنگ، در طول دهه گذشته و با افزایش سه‌برابری حملات، سه‌برداشت بهای مرگبار جنگ ادامه می‌دهند. سازمان ملل بیش از ۱۷۰ هزار مورد از نقض حقوق کودکان درگیر جنگ را از سال ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار داده که معادل بیش از ۴۵ تخلص در روز به مدت ۱۰ سال است. نقض حقوق کودکان در جنگ شامل کشته و مجروح‌شدن، خشونت جنسی، آدم‌ربایی، عدم دسترسی بشردوستانه، سربازگیری از کودکان و حمله به مدارس و بیمارستان‌هاست. در حدود نیمی از این موارد، کودکان در حملات هوایی و سلاح‌های انفجاری کشته یا مجروح می‌شوند. طبق اعلام یونسف، کودکان در سوریه، یمن و افغانستان در معرض خطر ویژه‌ای در سال ۲۰۱۹ قرار داشتند. سازمان ملل از تمام طرف‌های متخاصم در سراسر جهان خواست تا به نقض حقوق کودکان و هدف قرار دادن غیرنظامیان پایان دهند.

# شتر

## روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۰ دی ۱۳۹۸ • ۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۶۱۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۷:۲۱ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

### روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

#### کارتون خواب



**داریو کاستیلجوس**



#### گزارش

## مخفی کردن مرگ دلفین

اخیر مناقضی درباره مرگ دلفین ،دلفیناریوم وجود دارد. ایسنا ازقول مسئولی آن را نارسایی قلبی دانسته و خبرگزاری فارس دلپیش را خوردن ماهی تغیراعلام کرد و نکته دیگر اینکه هنوز عکسی از دلفین مرده منتشرنشده است. در چند روز اخیر اخباری مبنی بر مرگ یک دلفین و دو شیر دریایی در مجموعه دلفیناریوم برج میلاد منتشر شده و پیمانکار متهم است که این خبر را از نهاد‌های نظارتی و حتی مجموعه برج میلاد پنهان نگه داشته است، اما حالا نماینده تأمین‌کننده گونه‌های پستاندار دریایی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار می‌کند فقط یک دلفین و آن هم در ۲۹ آذرماه جان باخته و ادعاهای مبنی بر مرگ دو شیر دریایی با اینکه چند ماه از مرگ دلفین گذشته است، صحت ندارد. سیدمجتبی عبادی، نماینده تأمین‌کننده گونه‌های پستانداران دریایی دلفیناریوم برج میلاد، با بیان اینکه در سال‌های قبل از مجموع پنج قفله‌ شیر دریایی، سه قفله به کشور ترکیه صادر شده‌اند.افزود: «دو قفله شیر دریایی برای مجموعه دلفیناریوم باقی ماند که نهایتاً در سال ۹۶ یکی از این دو قفله که ۳۲ سال داشت، بر اثر کوبولت سن تلف شد. یک قفله‌ نیز در حال حاضر در مجموعه فعال است. مجموعه دلفیناریوم با دو دلفین به نام‌های آلفا و کاسیا و یک شیر دریایی فعال بود تا اینکه در ساعت ۷:۴۹ صبح روز جمعه ۲۹ آذرماه سال جاری باخبر شدیم آلفا تلف شده است.» عبادی با رد ادعای ندانشن دامپزشک در این مجموعه، توضیح داد: «ماهانه سه هزار دلار به دامپزشک متخصص دستمزد می‌دهیم تا در مجموعه حضور دائمی داشته باشد و به صورت روزانه دلفین و شیر دریایی

#### اعداد

**از‌هاکی تاخانه**
**هشت گل:** در همان زمان که اخبار رزمایش ایران، چین و روسیه منتشر می‌شد، به روال سالانه، مسابقه‌هایی در روسیه با حضور ولادیمیر پوتین در میدان سرخ برگزار شد و همان‌طور که حدس زده می‌شد، تیم هاکی روی یخ به رهبری پوتین در روز کریسمس ۸ بر ۵ حریف را شکست داد، البته البته رئیس‌جمهور روسیه نیمی از گل‌ها را به حریف زد. اعضای تیم حریف را برخی وزرا، موسیقی‌دانان و تاجران تشکیل داده بودند. به نظر می‌رسید نتیجه این بازی از قبل معلوم بود. هرچند پوتین از سال ۲۰۱۲ در لیگ هاکی بازی کرده است که اولین بازی‌اش کمی بعد از کسب مقام ریاست‌جمهوری انجام



**صداهایی که شنیده نمی‌شود**

## اغتشاش‌نه، اعتراض!



**طیبه سیاوشی‌شاه‌عنایتی**

در سال گذشته میلادی در بسیاری از کشورها و از آمریکای جنوبی، اروپا تا شرق آسیا، اعراب و کشورهای همسایه، شاهد گسترش موج اعتراضات و ناآرامی‌ها بودیم.

در برخی از این‌ کشورها، این اعتراضات به‌عنوان یک حق شهروندی پذیرفته شد و در برخی دیگر از کشورها، با شدت عمل با آن برخورد شد و خسارات مالی و جانی زیادی در پی داشت. به عنوان مثال اعتراضات کشور فرانسه، ماه‌هاست که ادامه دارد و به یک سال نزدیک شده است اما در کشور ما در چند روز با اعتراضات معیشتی برخورد شد.»

اما نکته اینجاست‌که نحوه برخورد با مطالبات اجتماعی و اقتصادی مردم، نباید سیاسی و امنیتی می‌شد و با آن، این‌گونه برخورد می‌کردند. خصوصاً وقتی ظرفیت‌های خوبی در قانون اساسی درخصوص حق اعتراض و تجمع در نظر گرفته شده است.

در فصل سوم از قانون اساسی ایران به حقوق ملت پرداخته شده است. در علم حقوق گفته می‌شود مقابل هر حقی یک تکلیف وجود دارد؛ یعنی اگر حقی برای کسی به رسمیت شناخته می‌شود، تکالیفی برای افراد دیگر برای حفاظت از این حق نیز باید وجود داشته باشد. حقوقی که مربوط به ملت است نیز از این قاعده مستثنا نیست و شخص مکلف در برابر حقوق ملت، دولت (حاکمیت) است.

به عبارتی اگر قانون، امری را از حقوق ملت می‌داند، دولت موظف به برپایی، احقاق و محافظت از این حقوق است. قانون اساسی ایران ذیل فصل مذکور، اصلی را انشا کرده که به‌موجب آن تجمع به‌عنوان یکی از حقوق ملت شناخته شده است. مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح و به‌شرط آنکه محل بر مبنای اسلام نباشد آزاد است»؛ در اصل فوق به‌روشنی صرفاً دو استثنا برای آزادی تجمعات قائل شده است: مسلحانه‌بودن و محل مبنای اسلام نبودن.

از نظر حقوق بین‌الملل، امروزه درخصوص حق آزادی تجمع، چند اصل کلی پیش‌روی دولت‌ها قرار دارد. بنابراین تفسیر یک‌سویه و سواه‌استفاده از ابهام اسناد بین‌المللی (در صدر آنها ماده ۲۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی) دیگر قانع‌کننده نیست. تجمع مسالمت‌آمیز که هم می‌تواند به‌صورت خصوصی و در مکانی خصوصی شکل گیرد و هم در مکانی عمومی به تظاهرات یا راهپیمایی تبدیل شود، حق شهروندان است و فرض اولیه درخصوص آن که تجمع، وصف مسالمت‌آمیز دارد یا خیر، همیشه به نفع آنهاست.

از سوی دیگر، اثر احتمالی هر تظاهراتی بر نظم عمومی و مزاحمت در حقوق عادی شهروندان، مانعی بر سر راه بهره‌مندی کامل از حق تجمع نیست.

اصل کلی، امکان بهره‌مندی همگان از حقوق خویش با جمع حقوق طرفین است. درصورتی‌که چنین حالتی میسر نباشد، تنها محدودیت‌های مشروع مندرج در ماده ۲۱ میثاق می‌تواند دایره بهره‌مندی از حق را کوچک‌تر کند. دولت‌ها اگرچه صلاحیت تشخیص در این خصوص را دارند، اما موظف‌اند بار اثبات ضرورت و تناسب اقدام خود را بر عهده بگیرند.

همچنین، توانایی بی‌حدوصرف دولت‌ها در تعلیقی حقوق ملت، به صرف اعلام وضعیت اضطراری با تفاسیر جدید کمیته حقوق بشر محدود است. اثبات وجود وضعیت اضطراری

به خودی خود، دلیل محکمی برای تعلیق حق آزادی تجمع نیست.

دولت باید بتواند اثبات ضرورت تعلیق حق تجمع را به‌گونه‌ای اثبات کند که همگان متقاعد شوند راه دیگری برای کنترل اوضاع نبوده است. کمیته حقوق بشر، نهادی است که می‌تواند اعلام وضعیت اضطراری برای دولت را بسنجد و تعیین کند که تعلیق حقوق به‌عنوان راهی برای تضمین حقوق بوده یا دولت ناچار به اتخاذ آن بوده است. به هر رو، ناآرامی‌های آبان یکی از مهم‌ترین اتفاقات در سال جاری ایران و حتی سال گذشته میلادی در جهان است که به لحاظ وسعت درگیری، رنج سنی و تعداد مشارکت‌کنندگان در اعتراضات، اهمیت آن چند برابر می‌شود.

محرز است که اعتراضات حول محور معیشت بوده است؛ گرچه این نوع اعتراضات در ایران بی‌سابقه نیست اما کم‌سابقه است و کمتر پیش آمده که اعتراضات معیشتی را در این وسعت در کشور شاهد باشیم.

به‌هرحال، باید به مردم حق داد که از برخی ساختارهای موجود انتقاد داشته باشند و باید به دولت‌مردان گوشزد کرد که یأس اجتماعی، خود مهم‌ترین عامل خشونت بوده است.

تا زمانی‌که امید به تغییر یا اصلاح وجود داشته باشند، هیچ اعتراضی از حالت مسالمت‌آمیز خارج نمی‌شود؛ اما به‌محض ایجاد ناامیدی، اعتراضات وارد فازهای غیرمدنی خواهد شد.

بنابراین مسبب اصلی تبدیل اعتراض به اغتشاش، خود ما مسئولان هستیم که مردم را ناامید می‌کنیم.

همچنین بحران در حوزه آب، خاک و هوا که ناشی از بی‌توجهی به سند آمایش ملی است، اصلی‌ترین دلیل گسترش طبقه مهاجران حاشیه‌نشین در کلان‌شهرهاست و از آنجا که جغرافیایی اعتراضات متمرکز بر مناطق مهاجرنشین شهرها و حواشیی بوده است، چنین می‌توان نتیجه گرفت که اعتراضات اخیر، ریشه در بی‌توجهی به مباحث محیط‌زیستی، خصوصی‌سازی اراضی ملی، بی‌توجهی به حقابه‌های روستاها و... در سال‌های اخیر دارد.

اعتراضات مدنی معمولاً مسالمت‌آمیز و با آرامش شروع می‌شود و اگر سریع پاسخ‌گویی صورت گیرد، اعتراض به این راحتی‌ها وارد فازهای غیرمدنی نخواهد شد. بنابراین وجود سوبه‌های غیرمدنی در اعتراضات اخیر به دلیل آن است که به مطالبات و اعتراضات مدنی قبل، پاسخ داده نشده است.

حتی در موضوع پزین نیز نه برای مردم و نه برای نمایندگان مردم، کنه ماجرا شفاف نشد که این افزایش قیمت به چه دلیل رخ داد و هرگز مشخص نشد آیا راهکارهای دیگری نبود؟ بنابراین مردم جوابی نشنیدند، فقط دستور داده شد باید افزایش پیدا کند و مردم هم توجیه نشدند. حتی صحت‌هایی‌که در توجیه این کار انجام شد، بدون پشتوانه است و قانع‌کننده نبود.

البته چنین احزاب و جهره‌های سیاسی و مدنی نیز در این اعتراضات قابل بررسی است. احزاب و شخصیت‌ها بسیار دیر واکنش نشان دادند و به‌نوعی از مردم عقب افتاده‌اند و حتی آنان‌که ده‌ها سال است تجربه اندوختن‌اند، درواقع در شوک و شُک قرار گرفتند و در اوایل هیچ تحلیل درستی از وقایع ارائه نکرده و به دنبالش آن، رویکردی منطقی پیش گرفته نشد.

به همین دلیل، اعتراضات کاملاً «رها» شد بدون آنکه هیچ گروه و حزبی بتواند صحنه را مدیریت کند که از هزینه‌های اجتماعی اعتراضات بکاهد.

به‌هرحال، نباید اعتراض را با اغتشاش خلط کرد. امیدوارم یک روز استفاده از واژه «اغتشاش» که میزبان نوشتار و گفتار سیاست‌مداران ماست، تاریخ مصرفش تمام شود.

**یادداشت**

### انصاف نیست!



**لیلی گلستان**

● آقای مصطفی ملکیان در مقدمه کتابی نوشته‌اند: «تا زمانی‌که هنوز همه نیازهای فیزیولوژیک و زیستی همه آدمیان برآورده نشده‌اند، سلامت فردی و امنیت اجتماعی تأمین نشده‌اند، فقر مادی و اقتصادی هست، امنیت اقتصادی نیست، حقوق بشر پایمال می‌شود، حقوق مدنی رعایت نمی‌شود، بی‌سوادی ریشه‌کن نشده است، حیوانات در معرض آسیب‌اند و محیط زیست در خطر آلودگی و نابودی است، صرف پول‌هایی که می‌توانند به کار دفع و رفع این مشکلات بیایند، در راه هنر و پرداختن به عنصر زیبایی جواز اخلاقی ندارد.» همیشه نوشته‌های آقای ملکیان را دنبال می‌کردم و از خواندن‌شان لذت می‌بردم که البته هیچ امتیازی برای ایشان نخواهد بود. چون نه جامعه‌شناسم و نه فیلسوف. یک مترجم ناچیزم و یک گالری‌دار ناچیزتر؛ اما اینکه دیواری کوتاه‌تر از دیوار هنر ندیده‌اید و هنر را تفنن و سرگرمی دیده‌اید، واقعا انصاف نیست. هنر همیشه کمک کرده تا فجایع دنیا و ظلم و ستم‌ها بهتر و درست‌تر دیده و حس شوند. گرونی‌کای پیکاسو را دیده‌اید؟ عکس‌های رابرت کاپا، گاه گلستان و رضا دقتی را از جنگ‌های اسپانیا و ایران و عراق دیده‌اید؟ عکس‌های کشت و کشتار جنگ ویتنام یا صرب‌ها را دیده‌اید؟ نقاشی‌های گویا را دیده‌اید؟ شعرهای شاملو یا اخوان را خوانده‌اید؟ پرفورمنس‌های مارینا Abramovicچ را درباره خشونت تماشا کرده‌اید؟ حافظی را خوانده‌اید؟ عارف و ابتهاج را چطور؟ کتاب زندگی جنگ و دیگر هیچ اوربانا فلاچی را درباره جنگ ویتنام خوانده‌اید؟...

آقای ملکیان اینها همه هنرند. اینها را باید خرید، شنید، خواند و دید. چطور می‌گویید: «صرف پول‌هایی که می‌توانند به کار دفع و رفع این مشکلات بیایند، در راه هنر و پرداختن به عنصر زیبایی جواز اخلاقی ندارد.» جواز اخلاقی را چه کسی صادر می‌کند؟ هنر به کمک آمده تا من و شما به ابعاد این فجایع آگاه شویم. هنر به کمک آمده تا عکس دخترک سوخته از بمب ناپالم را در ویتنام ببینم و متوجه بشویم که بر سر ملت ویتنام چه آمده است. هنر به کمک آمده تا با عکس‌های گاه گلستان و رضا دقتی متوجه شویم که عراقی‌ها با کمک آمریکا چه بلایی سر ایران ما و جوانانش آورد. هنر به کار می‌بیند. هنر به کار

آمده تا با زندگی معتادان و آسیب‌های اجتماعی و فساد اخلاقی آشنا شوید. فقط و فقط هنر است (تمام هر هفت هنر) که می‌تواند شما را متوجه این فجایع بکند. ما باید به دیدن تئاتر برویم و پول بخریم. بپردازیم. ما باید سینما برویم و پول بخریم. بپردازیم. ما باید به نمایشگاه نقاشی برویم و پول بابت خرید آثارش بپردازیم. به عقیده شما نقاش‌ها و عکاس‌ها و کارگردانان سینما و تئاتر، تولید نکنند تا مبادا پولی خرج خرید آثارشان شود. اصلاً تولید نکنند تا پولی خرج تولید نشود؛ چون شما جواز اخلاقی به این کار نمی‌دهید! وای بر من! نویسندگان ننویسند تا مبادا پول خرج خرید کتابی شود. نقاشان نقاشی نکنند تا مبادا کسی کاری را از ایشان بخردا و... الی غیرالتهایه. آقای ملکیان هنر خیلی قادر و توانا است.

همان‌قدر که می‌تواند به ثبت فجایع کمک کند، به همان اندازه می‌تواند از ناراحتی‌های‌تان بکاهد و روح‌تان را لطیف کند و هر دو اینها لازم و ملزوم‌اند. لطفا همین الان کتاب فرانجسکو گویا را باز کنید و نقاشی «بهای قدرت» یا «سوم مه» یا «ساتورن یکی از پسرانش را می‌درد» را تماشا کنید و بعد برای اینکه از آن حال بد بیرون بیایید، بنشینید و بیاتو کنستروی شماره ۱۷ موتسارت و آپاسوناتای بهتوون را بشنوید تا لحارتان خوب شود و لطفاً برسی هر دو آنها هم

مجوز اخلاقی صادر کنید. هنر را در حد یک تفنن و سرگرمی پایین کشیدید و این از انصاف به دور است. شایسته نیست، واقعا شایسته نیست.

#### قصه‌های شهر

## شیوه نوبرانه حمایت از بیت‌المال

چه چیزی بهتر از این که یک فعالیت فرهنگی این‌طور سرپا باشد و مجموعه‌ای افراد بومی را از نویسنده گرفته تا کارگر چاپخانه به کار فرهنگی مشغول کند. حالا شما یک روز از خواب بیدار می‌شوید و می‌بینید چاپخانه آن مرکز را تعطیل کرده‌اند؛ احتمال با این توجیه که در این اوضاع اقتصادی گردش مالی خوبی نداشته است. بد به دلان را هنر ندیدم، می‌گویند یا هر دو اینها لازم و ملزوم‌اند فکر بوده‌اند بودجه بیت‌المال به حد نرود، لابد همه آن دستگاه‌های چاپ و کارگران مربوطه را دست یک بخش خصوصی می‌دهند که هم چیزی تلف نشود. هم بخش خصوصی با شیوه کار خودش درآمدزایی کند. در همین خیال‌های خوش هستید که می‌فهمید دستگاه‌های چاپ به فروش رفته‌اند، کارگران از کار بی‌کار شده‌اند و مسئولیت چاپ کتاب‌های آن مرکز به یک مرکز دولتی دیگر سپرده شده است. عجبا، این یکی مدل از بومی‌سازی و خودکفایی مدیران وطنی از قضیه خودرو شگفت‌انگیزتر است. از همان کنار جوی روان این شیوه نوبرانه حمایت از چرخه کار ملی را به کارگران بی‌کارشده چاپخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهیت عرض می‌کنم.



**گیتی صفرزاده**

موضوع جهانی‌سازی یا بومی‌سازی از آن ماجراهای مفصل و پریشکی است که حرف‌زدن درباره‌اش نه در حد دانش من است، نه در حوصله شما و نه در یک ستون نیم‌بند روزنامه‌ای می‌گنجد. اما با اینکه کوچک‌تر از آن هستم که فلان و بیسار اما به عنوان یک مشاهده‌گر در کنار جوی آب گذر عمر می‌توانم تاسل‌سازی‌هایی‌که داخل جوی آب روان است را ببینم و البته طاقت نیاورم و بنویسم. راستش در داخل این جوی روان انواع و اقسام خودروهای ملی را می‌بینم که روان هستند. اصلاً من خودم یکی از طرفداران پشتیبانی از امور ملی هستم، برای همین چند سال پیش به همسر خیلی اصرار کردم یک خودروی ملی بخریم، با وجود اینکه قیمتش نسبت به بازار جهانی خودرو چند برابر یک خودروی معمولی است و با اینکه به نسبت درآمد ما پرداخت چنین مبلغی